

آی دان اولدوز منی سن یاخشی تانیرسان کی سحر  
افقی خلوت اندیب راز و نیاز ائیله میسن ۴  
با اندکی مطالعه در اشعار استاد شهریار می توان  
بیراحتی "هفت وادی عرفان" را مشاهده کرد، هفت  
مرحله‌ای که برای رسیدن به حقیقت باید طی کرد.  
وی در شعر "باغ عشق و همت" آشکارا به تجلی  
عشق حقیقی در وجودش اشاره می‌کند که: تا درسی  
از نوای مرغ حق گرفته است، بهار عرفان در طبعش  
شکفته شده و بزم انس وی از چراغ حقیقت روشن  
گشته است.

تا گرفته‌ام درسی از نوای مرغ حق  
شرح دفتر گل را خوانده‌ام ورق بورق  
شامگاه می‌میرم در جمال جاویدان  
بامداد برمی‌گردم زنده در تجلی حق  
... از بهار عرفانم تا چمن شکفت بطبع  
می‌برند لاله رخان گل به دامن و طبق  
... بزم انس ما گردد از چراغ او روشن  
کار عشق ما گیرد از جمال او رونق  
من در آن مبارک دم بادو بال همت و عشق  
از ملک کنم پرواز تا بحق شوم ملحق ...

دیوان شهریار - ج ۱ ص ۲۶۲-۳

در شعر "در کوی حیرت" استاد شهریار حیرت  
خویش را از فرمانبرداری و حرکت موجودات از دل  
و جان خود گرفته تا تمام اجرام و بید و باد، بیان  
می‌کند:

یارب دل من عاشق و شیدای که باشد  
این سوخته جان را سر سودای که باشد؟  
... در سینه من آتش موسی و ندانم  
دل صاعقه فرسوده سینای که باشد؟  
سرگشته صحرای ابد این همه اجرام  
گوی خم چوگان توانای که باشد؟  
این باد که از پای تکاپو ننشیند  
در راه طلب بادیه پیمای که باشد؟  
این بید که آشفته‌تر از طره لیلاست  
مجنون خم طره لیلای که باشد؟

دیوان شهریار - ج ۱ ص ۱۹۲

بالاخره استاد شهریار کلید فتح در حقایق و  
گنجینه ادب را "در گنج فنا" می‌داند که با تأمل و  
خلاف خواهش نفس عمل کردن، می‌توان صفا و  
خدا را یافت و مانند مولوی اذعان می‌دارد که با عقل  
و حکمت محدود هرگز به کمال مطلق نتوان رسید:

سری به سینه خود تا صفا توانی یافت  
خلاف خواهش خود، تا خدا توانی یافت  
در حقایق و گنجینه ادب قفل است  
کلید فتح به گنج فنا توانی یافت  
بهوش باش که با عقل و حکمت محدود  
کمال مطلق گیتی کجا توانی یافت؟

دیوان شهریار - ج ۱ ص ۹۸

۳. بعد مقاومت در پیش از انقلاب اسلامی:

پیش از این گفته شد که در طول زندگانی شاعر  
تحولات اجتماعی و سیاسی سرعت بیشتری داشت  
و مردم شاهد اختناق و دیگر نابسامانیها از طرف  
حکومت بودند. شهریار نیز بنا بر مسئولیت اجتماعی  
خود، برده از ترفندهای آنان برداشته و چهره کربه  
زورگویان و مستبدان را به تصویر کشیده است. استاد  
شهریار در شعر "فرهنگ ما" با نکته‌سنجی هایش بیان

می‌کند که:  
فرهنگ ما، برای  
جهالت فزودن است.  
مأمور زشت بودن و زیبا  
نمودن است.  
برنامه‌اش که سخت، بدستور  
اجنبی است

از بهر مغز خستن و اعصاب سودن است  
یک درس زندگی بجوانان نمی‌دهد  
طوطی مثال، قصه مهمل سرودن است.  
بیدار شو که نغمه طنبور دشمنان  
لالائی است و از پی سنگین غنودن است.  
ملت بخواب و دولت شریک دزد  
دزدی که در پی رمق از ما ربودن است ...

دیوان شهریار - ج ۱ ص ۳۵۴

استاد شهریار در شعر "جامعه ما"، جامعه ایرانی  
را که ملت دچار بدبختی و رمالی و خرافه پرستی و  
ستم شاهی است به تصویر می‌کشد و از اجانب که  
خریدار وطن شده‌اند و خودفروشان دلالی آن را  
می‌کنند، ناله سر می‌دهد و مجلس شورا را کعبه آمال  
بدبختی میهن می‌داند:

رود ایرانی سرگشته در دنبال بدبختی  
کند این ملت بدبخت، استقبال بدبختی.  
میان کوجه‌ها، بهر زن بدبخت ایرانی  
بین رمال بدبختی، که گیرد فال بدبختی.  
... پیای قصر شاهان، نعش مظلومان بین آری  
بلند از پستی همت شود اقبال بدبختی.  
... اجانب شد خریدار وطن، اهل وطن را بین  
ببازار خیانت ای عجب، دلال بدبختی.  
... به هر جا کعبه آمال ملت مجلس شورا است  
در ایران هست مجلس کعبه آمال بدبختی.

دیوان شهریار - ج ۱ ص ۷۳۶

"نمایشی از انتخابات"، شعری دیگر از اشعار  
مقاومت استاد شهریار در پیش از انقلاب است که در  
آن با زبان طنز پرده از تزویرهای و کلا برداشته، کبر و  
غرور بوج آنان را به سخره می‌گیرد و نه تنها آنان را  
لاشخور بلکه کابینه وقت را نیز تشریفاتی می‌داند؛  
و کیلانی که با رشوه و کیسه‌های زر سعی در فریب  
مردم و خرید رای آنان داشته‌اند:

باز باران بلای عقلا می‌آید  
عاقلا! عقل رها کن که، بلا می‌آید.  
... پای صندوق خرک سازی و آخور بندی است  
بعد شیرینی و ظرف شوکولا می‌آید.  
لاشخورانی دم خر کرده، خلال دندان  
چه دهانی که از بوی خلا می‌آید.  
و کلاه یاد وطن کرده و با کیسه زر  
کاروانی است که با برق و جلا می‌آید.  
... حزب هم دایر و کابینه تشریفاتی  
که "علی" می‌رود و گاه "علا" می‌آید.

دیوان شهریار - ج ۲ ص ۴۵۹

با اندکی مطالعه در اشعار

استاد شهریار می‌توان

بیراحتی "هفت وادی

عرفان" را مشاهده کرد،

هفت مرحله‌ای که برای

رسیدن به حقیقت باید

طی کرد.

۴. بعد

حضور در

صحنه‌های

انقلاب اسلامی:

انقلاب اسلامی که با ۲۹

بهمن ماه ۱۳۵۶ تبریز در اربعین

شهدای حوزه علمیه قم شروع شد،

دیری نگذشت که سراسر ایران را فرا

گرفت تا در بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و

بعد از آن جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ شروع

گردید. استاد شهریار نیز همگام با مردم با سلاح شعر

و قلم شروع به مبارزه و ثبت وقایع انقلاب کرد.

در شعر ۲۲ بهمن شهریار به سه عامل اصلی

پیروزی انقلاب، رهبری امام (ره)، ایمان و وحدت

ملت، اشاره می‌کند و در ادب فارسی "روزی

خدایی" را ثبت می‌کند که پنجه مستضعفان به قهر،

حلقوم کبر و نخوت مستکبران را گرفته است.

آبی که کشور ما در میان گرفت

خاکش جواهری است که در پرنیان گرفت.

بنشان غبار فتنه، که این نوبهار عشق

چون ابر انقلاب، به سر سایبان گرفت.

... "سیمرغ دین"، بکوری اسفندیار کفر

پرورد رستمی که کمین و کمان گرفت.

... کفر از برون و شرک و نفاق از درون، ولی

ایمان "مگر امان که تواند کران گرفت؟

... "روز خدا" که پنجه مستضعفان به قهر

حلقوم کبر و نخوت مستکبران گرفت

دیوان شهریار - ج ۳ ص ۲۹۰

استاد شهریار چندین شعر درباره انقلاب

اسلامی و مبارزات ملت سروده و در هنگام

جنگ تحمیلی نیز با اشعارش، شور

و شعفی در میان ملت و ادب

فارسی ایجاد کرده

است. نکته

قابل